

میدون و سوفیا

قالیباف راستش را گفت



یوریا عالمی

- سوفیا... عشقم... نامه امروز را برایت می‌نویسم مثل باقلاو.

می‌دانی که دیروز شهردار سابق تهران رفته بود تلویزیون. (البته حواست باشد وقتی می‌گویم شهردار سابق، منظورمان قالیباف است وگرنه بعد از قالیباف، شورای شهر تهران هر شونزده‌دقیقه یک شهردار معرفی کرده و الان شهردار حناچی است، اما الان معلوم نیست شهردار کی هست!)

راستش محمدباقر قالیباف، هروقت دلش بخواهد می‌رود تلویزیون و هرچی دلش بخواهد می‌گوید (دمش هم گرم البته! ما فقط چون حسودی‌مان می‌شود می‌گوییم).

خلاصه قالیباف بدهی ۵۴ هزار میلیاردتومانی دوره شهرداربودنش را یک دروغ بزرگ دانست و گفت: «بدهی‌های شهرداری تهران ۱۶ هزار میلیارد تومان بوده است.»

می‌دانی سوفیا؟ قالیباف راست می‌گوید که ۵۴ هزار میلیارد تومان بدهی دروغ و کل بدهی شهرداری او ۱۶ هزار میلیارد تومان است که ۱۶ هزار میلیارد تومان هم که چیزی نیست.

مثلا هفته پیش من رتقم نمایشگاه ماشین و لامبورگینی قیمت کردم. قیمت دادند دو میلیارد ۵۰۰ هزار تومان. من هم گفتم آن دو میلیارد تومان چیزی نیست، اما واقعا ۵۰۰ هزار تومانش به آدم فشار می‌آورد و پول زور است!

راستی سوفیا!

قالیباف درباره املاک نجومی و اموال شهرداری تهران گفت: «متأسفانه عنوان شده که این اموال فروخته شده است که این حرف‌ها، حرف‌های درستی نیست...».

خب ما تا الان فکر می‌کردیم فروختند! ولی ارزان فروختند! الان متوجه شدیم این‌طوری نبوده، آن‌طوری بوده.

در پایان نامه باید بگویم سوفیا، تو را دوست دارم به اندازه بدهی شهرداری تهران. عاشق بدهکار تو؛ میدون دوم

پرنده آبی

درهای بسته حسینه ارشاد

- صبح دیروز و برای تشییع پیکر‌پوران شریعت‌رضوی، همسر علی شریعتی، درهای حسینه ارشاد گشوده نشد. تنها پسرش، احسان شریعتی، با فریاد گفت مراسم تشییع و گزاردن نماز در خیابان شریعتی برگزار می‌شود و این اتفاق افتاد.

آن‌قدر این رخداد عجیب بود که بسیاری در شبکه‌های اجتماعی به آن واکنش نشان دادند. حیرت آنجا بود که فرماندار تهران به جماران گفت این اجازه صادر شده است، نیروی انتظامی آماده همکاری بوده، اما به نظر می‌رسد هماهنگی خانواده با هیئت‌امانی حسینه ارشاد انجام نشده است. برخی از واکنش‌ها دراین‌باره را مرور می‌کنیم.

یکی از کاربران نوشت: «ما روی خیابان‌ها و اماکن مهم، اسم گذاشته‌ایم: حسینه ارشاد، میدان آزادی، خیابان شریعتی، میدان انقلاب، خیابان جمهوری اسلامی و مطهری. مأموریت این اسامی جلویی‌ری از فراموشی اهداف و طراحان میبانی و هدف‌ها بوده، اما حالا که در حسینه‌ارشاد برای مراسم همسر دکتر شریعتی باز نشده چه باید گفت؟».

یکی دیگر از فعالان پرسیده بود: «حسینه ارشاد بی نام و مرام شریعتی و روشنفکران دینی، چه فرقی می‌کند با ...!؟»



فریادهای احسان شریعتی در برابر درهای بسته ارشاد برای اقامه نماز میت بر جنازه #پوران_شریعت_رضوی در خاطر می‌ماند. دیگری یادآوری کرده بود: «در خیابانی به نام شریعتی و در مسجدی که هویت و تاریخش با نام شریعتی گره و پیوند خورده (حسینه ارشاد)، اجازه تشییع پیکر همسر آن مرد را نمی‌دهند!».

یکی از کاربران به سخنرانی‌های دکتر شریعتی در حسینه ارشاد اشاره کرد: «آن‌همه تو حسینه ارشاد و این‌ور اون‌ور سخنرانی کنی تا انقلاب کنن و آخرش اجازه ندن همسرت در همان حسینه تشییع بشود خیلی حرفه خیلی». شریعتی خوب یا بد کسی بود که حسینه ارشاد رو با سخنرانی‌هاش زنده کرد. حالا نماز میت همسرش باید در خیابون خوانده شود».

روزنامه شتر

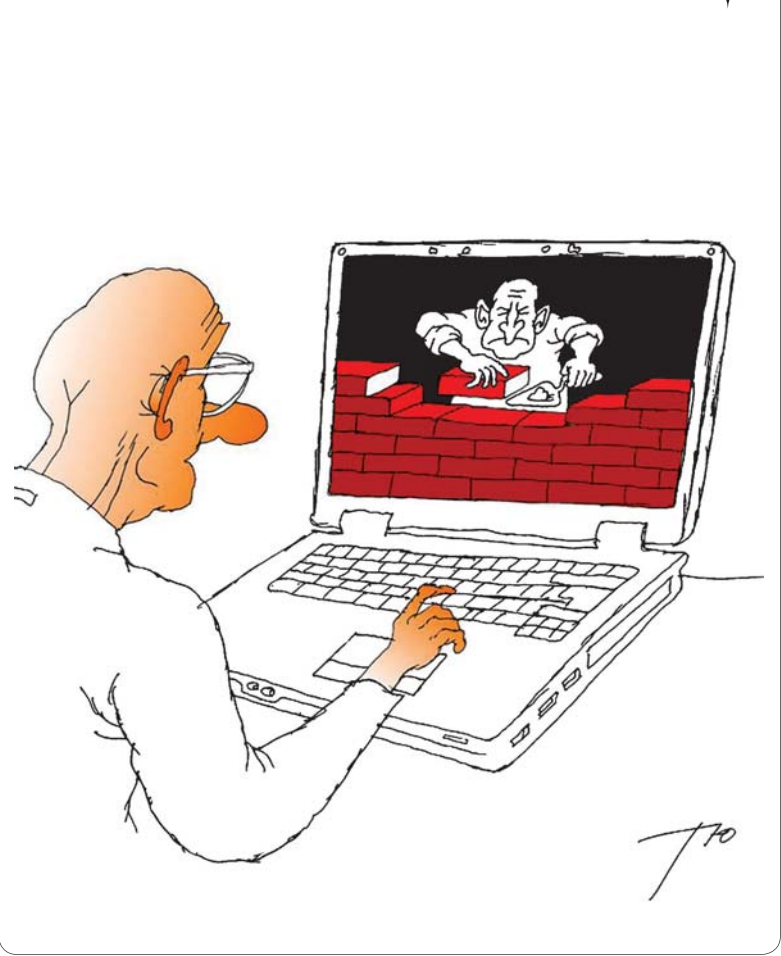
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۷ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ ۱۸ فوریه ۲۰۱۹ سال شانزدهم • شماره ۳۳۶۹ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۷ • اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

روزنفرها

کارتون خواب

سرگنگی تونبین



دور دنیا

مشکل مطبوعات نیمه‌آزاد پوتین

نبنال. خروشچووا، نوه نیکیتا خروشچف، صدر هیئت‌رئیس سابق اتحاد جماهیر شوروی که استاد امور بین‌الملل در مدرسه نیویورک و نویسنده «تصویر نابوکوف: روسیه بین هنر و سیاست» و «آخرین خروشچف: سفر به گولاگ از ذهن روس» است، به تازگی مقاله‌ای نوشته که در روزهای نخست سال ۲۰۱۹ منتشر شد با عنوان «مشکل مطبوعات نیمه‌آزاد پوتین». او در این مقاله این نکته اساسی را مورد بحث قرار داده است که در رژیم نیمه‌اقتدارگرایی مانند حکومت ولادیمیر پوتین بر روسیه رفتار مردم کاملا تحت کنترل رئیس آن نیست و سربایت این حالت به رسانه‌ها نتایج غیرمنتظره‌ای دارد. بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ماه گذشته در کنفرانسی مطبوعاتی که بسیار در رسانه‌ها بازتاب داشت، با اعتمادبه‌نفس و از موضع بالا از اوکراین تازگی مقاله‌ای نوشته که در روزهای نخست سال ۲۰۱۹ منتشر شد با عنوان «مشکل مطبوعات نیمه‌آزاد پوتین». او در این مقاله این نکته اساسی را مورد بحث قرار داده است که در رژیم نیمه‌اقتدارگرایی مانند حکومت ولادیمیر پوتین بر روسیه رفتار مردم کاملاً تحت کنترل رئیس آن نیست و سربایت این حالت به رسانه‌ها نتایج غیرمنتظره‌ای دارد. بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم.

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ماه گذشته در کنفرانسی مطبوعاتی که بسیار در رسانه‌ها بازتاب داشت، با اعتمادبه‌نفس و از موضع بالا از اوکراین تازگی مقاله‌ای نوشته که در روزهای نخست سال ۲۰۱۹ منتشر شد با عنوان «مشکل مطبوعات نیمه‌آزاد پوتین». او در این مقاله این نکته اساسی را مورد بحث قرار داده است که در رژیم نیمه‌اقتدارگرایی مانند پوتین این است که رفتار مردم به طور کامل تحت کنترل رئیس آن نیست. در روسیه امروز نیز رسانه‌هایی خبری ایجاد می‌شوند که بیشتر و بیشتر - و با جسارت بیشتر - به چالش‌های اجتماعی و خشم ناشی از آنها می‌پردازند. دولت روسیه هرگز به پوشش رسانه‌ای معضلات اجتماعی روی خوش نشان نداده و در این مورد سطح آزادی بیان کاملاً مشابه دوران گلاسنوست (فضای باز) دهه ۱۹۸۰ است. رسانه‌ها خط رسمی موضوعات مربوط به اوکراین و غرب را پی می‌گیرند و به اعتراضات مردمی به رهبری الکسی ناوالی، رهبر مخالفان یا مسائل ایجادکننده سرخوردگی در مردم مانند حقوق بازنشستگی، قوانین مسکن، پارکینگ و مالیات‌ها هم می‌پردازند. در سر فصل مقالات روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری می‌توان «بی‌اعتقادشدن» روس‌ها به دولت را دید. این توطئه‌ای علیه پوتین نیست؛ درواقع رسانه‌های روسی دارند کار خود را انجام می‌دهند. تا جایی که از مطبوعات نیمه‌آزاد برمی‌آید. اتحاد جماهیر شوروی بیش از هرچیز به‌علت قطع ارتباط بین نیازهای اساسی مردم عادی و پافشاری دولت بر ابرقدرت‌شدن که موجب فقر مردم شد، شکست خورد و از هم پاشید. پوتین نیز که ادعای دفاع از سرزمین‌مادری را دارد، با نادیده‌گرفتن مردم خود، اشتباه مشابهی را مرتکب می‌شود و خطر مشابهی را به جان می‌خرد.

وقتی یک سلبریتی از دنیا می‌رود آیا ما واقعا اندوهگین می‌شویم یا این حس واقعی نبوده و تحت تأثیر رسانه و فضای جامعه ایجاد می‌شود؟ آیا اندوه معنایی ذاتی دارد یا برساختی اجتماعی است که به صورت‌های گوناگون ایجاد می‌شود و بروز پیدا می‌کند؟ آیا می‌توان مفهومی با عنوان اندوه عمومی را برای مرگ یک سلبریتی تعریف کرد؟ هلن نایناس با اشاره به مرگ دو شخصیت برجسته بریتانیایی این مسئله را تحلیل کرده است که در ادامه می‌آید. این‌طور به نظر می‌رسد که شخصی‌کردن یک رویداد-مرگ یک فرد عادی - طبیعت انسان است. به نظر می‌آید که مرگ نه امری خصوصی، بلکه عمومی است. نمایش‌های شدید احساسی مثلاً به مرگ دیوید بویی (آهنگ‌ساز و خواننده مشهور انگلیسی) و آلن ریکنم (بازگر معروف انگلیسی) نشان می‌دهد که مرگ شخصیت‌های معروف امری شخصی است یا دست‌کم می‌توان گفت که ما با این رویدادها به‌طور شخصی برخورد می‌کنیم. منتقد فقیذ، کریستوفر هیچنز، بر مستندی استادانه به بررسی پدیده جدید اندوه عمومی و ازین‌رفتن بی‌تفاوتی در بریتانیا پرداخت. در مستند دیانا: عزاداری پس از واقعه، پرسش‌های مهمی درباره معنای عزاداری واقعی پرسیده می‌شود. این مستند همچنین تلاش می‌کند به این پرسش نیز پاسخ دهد که چگونه تلاش می‌کند به این احساسات خالصانه‌ای برای اندوهگین‌بودن وجود دارد؟ اینکه آیا هیچ شباهتی بین واکنش به مرگ یک سلبریتی و واکنش به مرگ کسی که او را می‌شناسیم، وجود دارد؟ (جایی که شما نامه او به سباق مسائل همیشگی شوروی همچنان بیشتر از یک کودتا در کاخ ریاست‌جمهوری می‌ترسد تا قیام عمومی، پیروزی او در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته باعث شد خوش‌خیالانه به این تصور کلاسیک چسبید که مردم او را دوست دارند. باوجوداین، مشکل رژیم نیمه‌اقتدارگرایی مانند پوتین این است که رفتار مردم به طور کامل تحت کنترل رئیس آن نیست. در روسیه امروز نیز رسانه‌هایی خبری ایجاد می‌شوند که بیشتر و بیشتر - و با جسارت بیشتر - به چالش‌های اجتماعی و خشم ناشی از آنها می‌پردازند.

دولت روسیه هرگز به پوشش رسانه‌ای معضلات اجتماعی روی خوش نشان نداده و در این مورد سطح آزادی بیان کاملاً مشابه دوران گلاسنوست (فضای باز) دهه ۱۹۸۰ است. رسانه‌ها خط رسمی موضوعات مربوط به اوکراین و غرب را پی می‌گیرند و به اعتراضات مردمی به رهبری الکسی ناوالی، رهبر مخالفان یا مسائل ایجادکننده سرخوردگی در مردم مانند حقوق بازنشستگی، قوانین مسکن، پارکینگ و مالیات‌ها هم می‌پردازند. در سر فصل مقالات روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری می‌توان «بی‌اعتقادشدن» روس‌ها به دولت را دید. این توطئه‌ای علیه پوتین نیست؛ درواقع رسانه‌های روسی دارند کار خود را انجام می‌دهند. تا جایی که از مطبوعات نیمه‌آزاد برمی‌آید. اتحاد جماهیر شوروی بیش از هرچیز به‌علت قطع ارتباط بین نیازهای اساسی مردم عادی و پافشاری دولت بر ابرقدرت‌شدن که موجب فقر مردم شد، شکست خورد و از هم پاشید. پوتین نیز که ادعای دفاع از سرزمین‌مادری را دارد، با نادیده‌گرفتن مردم خود، اشتباه مشابهی را مرتکب می‌شود و خطر مشابهی را به جان می‌خرد.

«افق نگاه» و کارِ وزارت

گوناوگون هستند. همه اینها درست اما در تحلیل نهایی هرکس دارای امکاناتی از افق دید خود است که معلوم نیست تا چه حد می‌تواند از آن فراتر برود. قضاوت درباره افکار و اعمال افراد در داخل گفتمان و فراروایتی که رشد کرده‌اند، اصلی‌ترین چالش اخلاق و شاید حقوق است. معلوم نیست انسان تا چه حد و تا کجا مسئول افق دید خود است؟ این صحیح که تأسیسات مدرن و نظام‌های اداری و قراردادهای اجتماعی نقش بیش افراد را محدود می‌کنند اما در مدبران فراسدت نظیر وزیران، اتفاقاً ابعاد افق نگاه‌شان و توان فرارفتن (همان توان روشن‌فکری‌گونه‌ای که گفته شد) از این چارچوب‌هاست که می‌تواند خط‌دهنده و راه‌گشا یا برعکس، گمراه‌کننده باشد. وقتی کل مجموعه زبردست، درگیر دست‌وپازدن با انبوه درختان هستند، تصویر جنگل در نظرگاه وزیر آشکار می‌شود و آنجاست که جزئیات افق نگاه او و تصویری از جنگل که در نظرگاه او قرار می‌گیرد، نقش محوری بازی می‌کند. با مثالی می‌توان مقصود را روشن‌تر بیان کرد؛ ممکن است یک روز در کشوری تصمیم بگیرند مشکلات سلامت را که کم هم نیستند، از ریشه حل کنند و آماده خرج‌کردن منابع در این زمینه هم شوند، اما اشکالات ساختاری و فرهنگی در آن کشور قدیمی‌تر از کمبودهای مالی باشد و کار پزشکی در همان هسته‌های مرکزی‌اش و در کیفیت خدمات انسانی پزشکی دچار اشکال باشد. اگر در این کشور خیالی وزیر را از میان گروه پزشکانی برگزیند که یک کار تکنولوژیک بسیار دقیق و ظریف روی یک قسمت محدود از بدن مثل



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی

آیا از مرگ سلبریتی‌ها ناراحت می‌شویم؟

مهدی نوریان

است. «آنچه طرفداران تجربه می‌کنند نباید با همان واژه؛ یعنی اندوه توصیف شود؛ یعنی همان واژه‌ای که خانواده ریکنم و بویی و دوستان نزدیک آنها تجربه کرده‌اند. این دو حس مثل هم نیستند. باتلین می‌گوید که ناراحت‌شدن فرد برای مرگ کسی که او را نمی‌شناخته گیج‌کننده است. «اما ناراحتی یک فرد برای مرگ یک سلبریتی ممکن است به یک فقدان شخصی مربوط شود- شاید پدر آن فرد در همان سن از دنیا رفته یا او نیز کسی را می‌شناسد که در اثر سرطان فوت کرده است. این موضوع مردم را به یاد میرایی خوش نیز می‌اندازد». البته ممکن است احساسات ما برای کسی که او را نمی‌شناختیم جریحه‌دار شود - دلایلش هم ممکن است آهنگ زندگی روی مریخ بویی یا نقش کلنل برندن آلن ریکنم در فیلم عقل و احساس باشد. ما حس می‌کنیم که این آدم‌ها را از نزدیک می‌شناسیم، اگرچه اصلاً شناختی از آنها نداریم. البته هرچه شما به آن شخص نزدیک‌تر باشید یا روابط نزدیک‌تری با او داشته باشید، اندوه شما نیز شدیدتر خواهد بود. ایمی می‌گوید که واژه‌ها ما را ناامید می‌کنند. «من دلتنگی مستمر برای کسی را اندوه، نابودی و دل‌شکستگی می‌نامم. وقتی این واژه‌ها را طرفداران استفاده می‌کنند، زبان به بیراهه رفته است. بنابراین شاید ما برای توصیف چنین پدیده‌ای شگرف، گیج‌کننده و بسیار پیچیده به چیزی فراتر از یک واژه نیاز داشته باشیم تا اینکه صرفاً از اندوه استفاده کنیم». این ایده که اندوه، مقوله‌ای محدود یا یک سری اصول است مسخره به نظر می‌رسد. به تعداد انسان‌های روی کره زمین طریقه اندوهگین‌بودن وجود دارد. بنابراین وقتی در مورد اینکه چقدر برای از دست‌دادن فردی ناراحت هستیم صحبت می‌کنیم، بهترین کار این است که به دلالت‌های مفهومی این واژه برای افرادی که از این فقدان به هولناک‌ترین شکل ممکن رنج دیده‌اند توجه داشته باشیم. شاید شبکه‌های اجتماعی این اجازه را به ما نمی‌دهند که به طور کافی در مورد احساسات خود صحبت کنیم. شاید تئوئیمین آن را در واژه‌ها بگنجانیم، چه برسد به آنکه اسیر محدودیت‌ها را کمتر در شبکه‌های اجتماعی نیز باشیم.

رویداد

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در محک

اقتصادی و زیست‌محیطی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و به موجب آن ذی‌ربطان می‌توانند متناسب با نیازهایشان به اطلاعات دقیق و شفاف دسترسی یابند. لازم به ذکر است گزارش‌دهی بر اساس این مدل امروزه به‌عنوان قابل‌اعتمادترین شاخص ارزیابی و سنجش در جهان شناخته شده و دربرگیرنده حوزه‌های فعالیتی در زمینه‌هایی مانند اقتصادی، محیط زیست، نیروی کار، حقوق بشر، جامعه و مسئولیت‌پذیری در قبال محصولات و خدمات هر سازمان خواهد بود».
اتاق‌های بازرگانی کشور، استادان دانشگاهی معتبر جهان و ایران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین سازمان مدیریت صنعتی در برگزاری همایش دوسالانه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های سال ۱۳۹۷ شرکت دارند.

مانند مدل‌های برنامه‌ریزی، مدل‌های اجرا و استانداردهای گزارش‌دهی در زمینه مسئولیت اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. گروه‌های هدف این رویداد تخصصی، صاحبان صنایع، اتاق‌های بازرگانی، بنگاه‌های اقتصادی، دولت‌مردان و سیاست‌گذاران، استادان و دانشجویان حوزه مدیریت و اقتصاد، مدیران ارشد و متخصصان شرکت‌های خصوصی و دولتی با تمرکز بر فعالیت در حوزه مسئولیت اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات همکار بین‌المللی خواهند بود.

روژ دوم و با هدف معرفی گزارش‌دهی استاندارد بر اساس مدل GRI، شناسایی شاخص‌ها و مفاهیم اصلی آن، کارگامی در این همایش برپا می‌شود. به گفته دبیر همایش: «در این کارگاه سنجش تأثیرگذاری برنامه‌ها و سیاست‌گذاری نهادها و شرکت‌ها در زمینه‌های اجتماعی،